

موضوع: چگونگی ایجاد رضایتمندی از زندگی از دیدگاه قرآن و حدیث

معصومه آیین^۱

زهرا سادات قاضی فینی^۲

آرزو قهرودی^۳

چکیده:

رضایت به معنای خشنودی و خرسندی به امر خوشایند و ناخوشایند زندگی است. هر انسانی مایل به لذت بردن و بهره مندی از زندگی است اما معمولاً از فنون آن ناآگاه است و نیز عوامل اصلی و مهم در رسیدن به رضایتمندی را نمی‌داند. بدین منظور نیاز است مولفه‌های رضایتمندی نظیر مفهوم خرسندی، دنیا، زهد، روزی، معنای زندگی و مرگ را به طور صحیح شناخت و آنگاه در پی کسب عوامل رضایتمندی نظیر رضایت به قضا و قدر الهی، قناعت، صبوری، راحت گرفتن زندگی، خواب و استراحت صحیح، برآمد. به همین جهت برای پیشبرد این تحقیق، از کتابهای مختلفی از جمله، روایی، اخلاقی و تربیتی استفاده شده است. اما به دلیل نبود چینی منظم و نیز بیان موضوع در لابه لای دیگر مباحث، از دقت نظر کافی و شایسته روی این مسئله مهم کاسته شده بود.

واژگان کلیدی: رضایت، خرسندی، موفقیت، سعادت.

^۱ . طلبه سطح سه گرایش کلام امامت، مرکز تخصصی کوثر کاشان
^۲ . طلبه سطح سه گرایش کلام امامت، مرکز تخصصی کوثر کاشان
^۳ . طلبه سطح سه گرایش کلام امامت، مرکز تخصصی کوثر کاشان

مقدمه

هنر رضایت از زندگی، بستری آرام برای پیشرفت و زمینه‌ای مطمئن برای بنای کاخ موفقیت انسان فراهم می‌آورد. طبع اولیه انسان، این است که در برابر ناخوشایندی‌های زندگی بی‌تاب می‌گردد و لب به شکایت می‌گشاید. اما کسی که راضی به قضای الهی است و در برابر قضا و قدر الهی، چون و چرایی ندارد، در مواجهه با بلاها و مصیبت‌ها بی‌تابی نکرده و دچار افسردگی و ناامیدی نمی‌گردد. فراگرفتن مهارت‌های زندگی و شیوه‌های رضامندی و عوامل و زمینه‌های آن، از جمله مواردی است که برای به دست آمدن یک زندگی موفق و همراه با رضایت و سعادت، مهم و ضروری است.

پژوهش حاضر به هدف بیان بسترها و عوامل رضایتمندی از پایگاه دین و به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی صورت گرفته است. اینکه رضایتمندی از زندگی چگونه به دست می‌آید؟ چگونه سطح آگاهی انسان در جهت تحقق رضایتمندی ارتقاء می‌یابد؟ بسترهای رضایتمندی چیست؟ چگونه می‌توان شناخت صحیحی از واقعیت‌ها به دست آورد؟ عوامل رضایتمندی چیست؟ سؤالاتی است که تحقیق حاضر متکفل پاسخ به آنهاست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد کتب موجود با یک نگاه کلی و بدون شرح و تفصیل عوامل و زمینه‌هایی که موجب رضایتمندی می‌شود را در حد روایت و حدیث آورده‌اند و توضیح و تفسیری در ذیل آنها نیامده است که چگونه این عوامل می‌توانند رضایتمندی را برای انسان تامین کنند.

این مقاله، در پی بررسی بسترهای رضایتمندی ابتدا به شناخت صحیح واقعیت‌ها پرداخته و سپس عوامل رضایتمندی را بیان می‌کند.

۱- معنانشناسی رضایتمندی

انسان همواره در جستجوی رضایت از زندگی است اما آیا به این فکر کرده است که رضایت چیست و به دنبال چه چیزی می‌گردد؟ بنابراین در ابتدا رضایت را معنا می‌کنیم تا شناختی صحیح از آن به دست آوریم.

رضایت در لغت به معنای: خشنودی و خوشدلی^۴، رفع کراهت و تحمل مرارت احکام قضا و قدر می‌باشد^۵ و در اصطلاح عبارت است از: ترک اعتراض و ناخوشایندی بر مقدرات الهیه در ظاهر و باطن و در

^۴- علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، چاپ هشتم ۱۳۷۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۵۲ ص ۱۰۲

^۵- محمد معین، فرهنگ فارسی [معین]، بی‌جا، تهران: دبیر ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۶۶

گفتار و کردار و آرامش دل به احکام و خواسته‌های خدا^۶. امام صادق(ع) فرمودند: صفت رضامندی آن است که از امر خوشایند و امر ناخوشایند رضایت داشته باشد^۷.

رضایت در زندگی یک احساس درونی است، این بدین معنا نیست که منقطع از دنیای خارج و واقعیت‌های بیرونی است بلکه می‌تواند تحت تأثیر آن نیز باشد ولی در عین حال، وابسته به آن هم نیست. گفتیم رضایت، یک احساس است و احساس، ناشی از تفکر انسان است یعنی احساسات و عواطف ما آن گونه شکل می‌گیرند که می‌اندیشیم، همه احساسات مثبت و منفی، نتیجه مستقیم افکارند. بدون داشتن افکار غمگینانه نمی‌توان احساس غم کرد، یا بدون داشتن افکار خشمگینانه نمی‌توان احساس خشم کرد، یا بدون داشتن افکار حاسدانه نمی‌توان احساس حسادت کرد و یا بدون داشتن افکار افسرده نمی‌توان احساس افسردگی کرد^۸.

پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که احساس رضامندی یا نارضایتی از زندگی ریشه در چگونگی تفکر ما دارد. بنابراین برای رسیدن به رضایت از زندگی باید در تفکراتمان تجدید نظر کنیم که این مهم، می‌تواند با یک تغییر در تفکرات به دست آید^۹.

رضایت از منظر اندیشه‌های توحیدی و غیر توحیدی دو گونه است: در اندیشه‌های غیر توحیدی یعنی احساس درونی که زائیده لذت‌های شخصی و یا نهایتاً لذت‌هایی است که در پی خدمت به دیگران ایجاد می‌شود و در دیدگاه‌های توحیدی به نوعی با خالق یکتا ارتباط دارد. افرادی که باورهای موحدانه داشته و به یک منبع لایزال و بی‌انتهای معنوی اعتقاد دارند و معاد را در حوزه باورهای خود به خوبی شناخته‌اند، خوشبختی را در انجام وظایف و تکالیف مقدسی می‌دانند که از سوی شارع برای آنان تعیین شده است و پس از ادای تکالیف است که آنان به آرامش حقیقی دست می‌یابند. به عبارت دیگر: خوشبختی در این دیدگاه‌ها، رسیدن به خدا و تقرب به اوست که اگر چه مصادیق فراوانی دارد ولی یک حقیقت است. بر اساس این دیدگاه، خدمت به برادران دینی، ادای واجبات و ترک محرمات و... وسیله‌ای است برای ایجاد رضایت معبود و محبوب که البته طبعاً رضایت شخصی و آرامش روحی آنان را نیز در پی خواهد داشت^{۱۰}.

۲- شناخت صحیح واقعیت‌ها:

الف: شناخت صحیح دنیا

^۶- مهدی نیلی پور، بهشت اخلاق، بی‌جا، نشر مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر، ۱۳۸۵، ج ۲ ص ۶۸۹

^۷- عباس عزیزی، رهنمودهای امام صادق (ترجمه مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)، بی‌جا، قم: نبوغ ۱۳۷۷، ص ۲۷۳

^۸- ریچارد کارلسون، شادمانی پایدار، برگردان: ارمغان جزایری، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۷، ص ۱۲

^۹- همان، ص ۲۱

^{۱۰}- ناهید طیبی، مریم معین الاسلام، مبانی روان شناخت خوشبختی با نگرش دینی، چاپ دوم ۱۳۸۳، قم: بهشت بینش بی

تعلیمات ارزشمند اسلام در راستای تربیت انسان، هر کدام به نوعی پیام آور احساس لذت و بهجت و سرورند. یکی از برنامه‌های سازنده اسلام، دعوت به تفکر و تدبیر به عنوان افضل عبادات است. اساس دین بر تفکر پایه ریزی شده و در هیچ نظام فکری و عملی چون اسلام بر تفکر تأکید نشده است و این تا بدان پایه است که قدر و ارزش ساعتی اندیشیدن از یک سال عبادت بالاتر است. تفکر موجب آرامش و اطمینان، شادی و نشاط و یقین انسان می‌گردد. قرآن مجید به طور مستقیم و غیر مستقیم با روش‌های گوناگون انسان را به تفکر دعوت نموده، زیرا انسان با فکر و اندیشه زندگی می‌کند و از آنجایی که زندگی دنیا از مهمترین بزرگترین رویدادهای بشر است. آینده جاویدان انسان در این جا رقم می‌خورد و چگونگی تفکر انسان نقش تعیین کننده‌ای در احساس رضایت از زندگی او دارد پس باید تفکر و اندیشه‌ای صحیح نسبت به زندگی دنیا داشته باشیم^{۱۱}. بنابراین تصورات و تفکرات ما از آن باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد نه اینکه نگرشی همراه با توهم و تخیل از دنیا داشته باشیم هر چند ممکن است این نوع نگرش یک احساس خوب و رضایتمندانه از زندگی برای ما فراهم کند اما تأثیر پایدار و ماندگاری نخواهد داشت. لذا اگر نگرش انسان به زندگی، واقع گرایانه باشد انتظارات او از زندگی واقع گرایانه خواهد بود و در پی آن احساس او از زندگی نیز، واقع بینانه خواهد شد. بنابراین رضایت از زندگی هنگامی شکل می‌گیرد که انتظار ما از زندگی واقع گرایانه باشد. بدون چنین انتظاری نمی‌توان زندگی موفق داشت و البته انتظار واقع گرایانه متوقف است بر شناخت صحیح از زندگی و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم^{۱۲}.

امام علی (ع) درباره نقش تعیین کننده و محوری «شناخت دنیا» می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ»^{۱۳} «هر که دنیا را بشناسد بر آنچه بر او می‌رسد غمگین نخواهد شد.» آن حضرت بر این اصل تأکید دارند که اگر کسی دنیا را آن گونه که هست با همه سختی‌هایی که ممکن است داشته باشد بشناسد از سختی‌های آن اندوهگین و ناراضی نمی‌شود. حضرت نمی‌فرماید که دنیا باید جای خوشی‌ها باشد و نمی‌فرماید که تصور کنید دنیا پر از خوشی و راحتی است بلکه می‌فرماید اگر دنیاشناسی تان واقعی باشد، با وجود سختی‌ها و با اقرار به وجود آنها باز هم احساس ناراحتی و نارضایتی به شما دست نخواهد داد. آموزه‌های زندگی ساز دین، انسان را به گونه‌ای تربیت می‌کند که در اوج سختی‌ها و در عمق گرفتاری‌ها نیز ناامید و افسرده نخواهد شد^{۱۴}.

^{۱۱} - زیاده خدایی سخندایا چگونه شاد باشم ، چاپ سوم ۱۳۸۸، قم : نگاران نور ، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷

^{۱۲} - عباس پسندیده ، همان ، ص ۲۳-۲۱

^{۱۳} - حسین شیخ الاسلامی، گفتار امیرالمؤمنین علی (ع) همراه با ترجمه فارسی هدایه العلم و غررالحکم ، قم: انصاریان

۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱۹

^{۱۴} - عباس پسندیده ، همان ، ص ۲۴

اغلب انسان‌ها میان سختی‌ها و ناخرسندی ملازمی برقرار می‌کنند و شادمانی و رضامندی را ضد سختی و گرفتاری می‌پندارند. آن‌جا که سختی باشد شادی و رضامندی نیست و آن‌جا که سختی نباشد شادی و رضامندی به وجود خواهد آمد، اما این یک تصور نادرست است. هیچ تلازمی میان این دو برقرار نیست. سختی یک چیز است و ناخرسندی چیز دیگری.

در قرآن کریم آمده است: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا»^{۱۵}، «مادرش او را به سختی حمل می‌کند» «کُره» یعنی مشقت و سختی و «کراهت» یعنی ناخرسندی.

مادر دردوران بارداری فرزند خود را با مشقت و سختی حمل می‌کند اما سوال این است که آیا این کار همراه با ناخرسندی و نا رضایتی است؟ ممکن است این کار مشقت داشته باشد اما مادر با عشق، رضایت و خرسندی تمام، این کار را انجام می‌دهد. نباید تصور کرد پیامد قطعی سختی‌ها، نا رضایتی و ناخرسندی است و شادمانی و دشواری قابل جمع نیستند. انبیا و اولیای الهی بیشترین سختی‌ها را در زندگی تجربه کرده‌اند اما هرگز ناراضی و ناخرسند نبوده‌اند^{۱۶}. سیدالشهدا با وجود سختی‌ها و همه دشواری‌ها راضی بود. برخی اینگونه تصور می‌کنند که گویا امام حسین (ع) هیچ سختی و مشقتی را درک نکرده و یکپارچه راضی بوده است. تصور آنان این است که درک مشقت و سختی یعنی نارضایتی! در حالی که هیچ ملازمه‌ای میان این دو نیست. امام حسین (ع) مانند هر انسان دیگری درد و رنج مبارزه و ضربت شمشیر و نیزه زار می‌چشد اما ناراضی نیست. آن حضرت در عین اینکه بر بلاها صبور است، به آنچه خدا مقدر کند نیز راضی است. هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای خطاب به یاران خود می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصِيرٌ عَلَى بُلَائِهِ»^{۱۷} «ما خاندان رسالت به آنچه موجب رضا و خشنودی حق است راضی هستیم و در برابر امتحانات و بلاهای او شکیبا و صابریم.» و پس از ضربت‌های فراوان، در آخرین لحظات نیز این‌گونه زمزمه می‌کند: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ»^{۱۸} «صبر می‌کنم بر قضای تو ای پروردگار من، هیچ خدایی جز تو نیست» و جالب‌تر اینکه هرچه فشارها بیشتر می‌شود و تنهاتر می‌گردد و به کشته شدن نزدیک‌تر می‌شود، چهره‌اش گشاده‌تر و با نشاط‌تر می‌گردد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: وقتی کارزار بر حسین بن علی (ع) سخت شد، یاران او به وی نگریستند اما او در حالتی غیر از آنچه خود بودند یافتند، زیرا هر گاه کارزار شدت می‌گرفت رنگ آنان تغییر می‌کرد و لرزه بر اندامشان می‌افتاد و دل آنان می‌لرزید، ولی امام

^{۱۵} - سوره احقاف، آیه ۱۵

^{۱۶} - عباس پسندیده، همان ص ۲۵

^{۱۷} - سید بن طاووس، لهوف، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، چاپ سیزدهم ۱۳۸۷، قم: نبوغ، بی تا، ص ۸۸

^{۱۸} - موفق بن احمد مکی خوارزمی، مقتل الحسین: تحقیق: محمد سماوی، بی چا، قم: مکتبه المفید، بی تا، ص ۳۵۷

«صنعتگران چون تمام شب را بیدار بمانند، کسبی حرام (یا به شدت مکروه) کرده‌اند.»
 این دو حدیث ما را به رعایت کردن حد و اجتناب از افراط زیانبخش و ضرورت استراحت به همراه کار، و حفظ تندرستی که مهمتر است هدایت می‌کند.

اما بعضی مواقع حکمت عملی، اینگونه اقتضا می‌کند که انسان در شب به کار کردن پردازد. همان گونه که امام صادق می‌فرماید: «... رُبَمَا احتاجَ النَّاسُ إِلَى الْعَمَلِ بِاللَّيْلِ، لِضَيْقِ الْوَقْتِ عَلَيْهِمْ فِي تَقْصِي الْأَعْمَالِ بِالنَّهَارِ، أَوْلَسْدَةَ الْحَرِّ وَ إِفْرَاطِهِ.»^{۸۹}

«... بسا هست که مردمان احتیاج دارند که در شب، کار کنند برای اینکه در روز همه‌ی کارشان تمام نمی‌شود یا از شدت گرما نمی‌توانند درست کار کنند...»

در هر صورت، با تنظیم خواب، می‌توان از زندگی، بهتر استفاده کرد و لذت بیشتری از آن برد و بدین سان از زندگی احساس رضایت بیشتری داشت و شادتر زیست.

^{۸۸} - همان

^{۸۹} - محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۱۱

نتیجه

انسان، در جستجوی رضایت از زندگی است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا به این امر مهم دست یابد. شرط یافتن و پیدا کردن، «شناختن» است. کسی که در پی خوشبختی و رسیدن به شادکامی و رضامندی است، باید بداند دنبال چه چیزی می‌گردد تا رضایتمندی حاصل شود. اگر رضایت را نشناسد و نشانه‌ای از آن نداشته باشد. هرچه تلاش کند، کمتر می‌یابد و همین ناکامی، ممکن است بر نارضایتی او نیز بیافزاید. یعنی انسان اگر همه عوامل و واقعیت‌هایی را که به این امر، موجب می‌شود فراهم کند، می‌تواند به آن دست یابد. رضایت به قضا و قدر الهی، قناعت، صبوری، راحت گرفتن زندگی، خواب و استراحت صحیح، برخی عوامل ایجاد رضایتمندی هستند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ۱- انصاریان، حسین، «دیار عاشقان تفسیر جامع صحیفه سجادیه» مصحح: حسین استاد ولی، بی جا، پیام آزادی، ۱۳۷۱
- ۲- بابویه قمی، محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، «معانی الاخبار»، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱ ش
- ۳- «الخصال المحموده و المذمومه»، ترجمه صادق حسن زاده، قم، فکرآوران، ۱۳۸۴، دوره ۲ جلدی
- ۴- «کتاب من لا یحضره الفقیه»، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق
- ۵- باقری طاقانکی، سبزعلی، «برای تمام خانواده ها»: (شامل ۸۷ موضوع اعتقادی، اخلاقی و تربیتی در قالب آیات و روایات)، به کوشش: باقری و ناصری نژاد، قم، نصاب، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ۱۳۸۸، دوره دو جلدی
- ۶- پسندیده، عباس، «رضایت از زندگی»، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، ۱۳۸۸
- ۷- خدایی، زبیده، «خدایا چگونه شاد باشم»، قم، نگاران نور، چاپ سوم، ۱۳۸۸
- ۸- حرانی، الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، «تحفه العقول عن آل الرسول»، تحقیق، علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشرالاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۲۱ ق.
- ۹- الحرعاملی، محمد بن الحسن، «وسایل الشیعه»، تصحیح: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: احیاء التراث العربی، چاپ نهم، بی تا، دوره ۲۰ جلدی
- ۱۰- الحلی، علی بن موسی (سید بن طاووس)، «لهوف» مترجم: علیرضا رجالی تهرانی، قم، نبوغ، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷
- ۱۱- دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، قم، دفتر نشرالهادی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹
- ۱۲- دلشاد تهرانی، مصطفی، «سیره نبوی»، بی جا، نشردریا، چاپ دوم، ۱۳۸۵
- ۱۳- دیلمی، الحسن بن محمد، «ارشاد القلوب»، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق
- ۱۴- «اعلام الدین فی صفات المومنین»، تحقیق: موسسه آل البیت، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق
- ۱۵- راوندی، سعید بن عبدالله (قطب الدین راوندی)، «قصص الانبیاء»، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق

- ۱۶- شیخ الاسلامی، حسین، «گفتار امیرالمومنین علی(ع) همراه با ترجمه فارسی هدایه العلم و غررالحکم»، قم، انصاریان، ۱۳۸۲، دوره دو جلدی
- ۱۷- طیبی، ناهید، مریم معین الاسلام، «مبانی روان شناختی خوشبختی با نگرش دینی»، قم، بهشت بینش، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- ۱۸- العروسی الحویزی، عبدالعلی بن جمعه، «تفسیر نور الثقلین»، تحقیق: علی عاشور، بیروت، موسسه تاریخ عربی، ۱۴۲۲ق، دوره ۸ جلدی
- ۱۹- عزیزی، عباس، «رهنمودهای امام صادق»: (یکصد موضوع عرفانی، عبادی، اخلاقی و اجتماعی)، ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ویراستار: حسین اسلامی، قم، نبوغ، ۱۳۷۷
- ۲۰- فرانکل، ویکتور، «انسان در جستجوی معنا»، ترجمه مهین میلانی و صالحیان، تهران، درس، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰
- ۲۱- فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، «اخلاق حسنه»، مترجم: محمد باقر ساعدی، بی جا، انتشارات پیام آزادی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- ۲۲-، «محجه البیضاء»، تصحیح: علی اکبر غفاری، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، دوره ۸ جلدی
- ۲۳- قرشی بنایی، علی اکبر، «قاموس قرآن»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۵۲
- معین، محمد، «فرهنگ فارسی»: (معین)، تهران، دبیر، ۱۳۸۲
- ۲۴- کارلسون، ریچارد، «شادمانی پایدار»، برگردان: ارمغان جزایری، تهران، نشرالبرز ۱۳۷۷
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، «بحارالانوار»، تحقیق: موسسه احیاء الکتب الاسلامیه، قم، نور وحی، ۱۳۸۸، دوره ۳۵ جلدی
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، دوره ۶ جلدی
- ۲۷- مطهری، مرتضی، «حق و باطل»: (به ضمیمه احیای تفکر اسلامی)، قم، صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۷۷
- ۲۸- المعتزلی، عبدالحمید بن محمد(ابن ابی الحدید)، «جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه»، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، چاپ دوم، ۱۳۷۹، دوره ۸ جلدی
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، «یکصد و پنجاه درس زندگی»، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ هفدهم، ۱۳۸۰

۳۰- مکی خوارزمی، موفق بن احمد، «مقتل الحسین (ع)»، تحقیق: مهدی سماوی، قم، مکتبه المفید، بی تا

۳۱- نراقی، ملا احمد، «معراج السعاده»، قم، هجرت، چاپ هفتم، ۱۳۷۹

۳۲- نوری طبرسی، حسین، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۷ق

۳۳- نیلی پور، مهدی، «بهشت اخلاق»، بی جا، موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۵، دوره دو جلدی